



به مناسبت هفته بزرگداشت مقام معلم

بایسته‌های تربیتی اساتید و مربیان

در کلام رهبر معظم انقلاب دام‌ظله



معاونت آموزشی تربیتی

اداره کل امور تربیتی

اردیبهشت ۱۳۹۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



با توجه به تأکید متون و آموزه‌های اسلامی بر جایگاه ارزشمند و اثرگذار استاد، به‌ویژه عالم دینی در شکل‌گیری، رشد و تعالی شخصیت نوع بشر یا بالعکس، انحراف و سقوط مردم، از بین رفتن اعتماد عمومی به جامعه روحانیت، در معرض خطر قرار گرفتن باورهای دینی و ...، توجه به نقش و ویژگی‌های این مسئله ضروری به نظر می‌رسد. بدین منظور در این مبحث سعی شده تا ضرورت و اهمیت این جایگاه با استناد به فرازهایی از بیانات رهبر معظم انقلاب دام‌عزله در دیدار با اساتید حوزه و دانشگاه، در قالب اصول تربیتی مربی و استاد تبیین شود.





• خودسازی و تهذیب نفس

بنده می‌خواهم بر مسئله تهذیب، تأکید کنم. آقایان! حوزه‌های علمیه ما، پُر از جوانان پاک و طاهر است. در کمتر جایی، این همه جوان زندگی می‌کنند. در حوزه علمیه‌ای مثل قم، هزاران جوان پاک، صالح و کسانی که از زخارف این دنیای دنیه، به حسب ظاهر گذشتند و واقعاً بعضی از این‌ها مصداق این فقره شریف دعای ندبه «**شروطوا علیهم الزهد فی درجات هذا الدنیا الدنیه و زخرفها و زبرجها**» هستند، جمع شده‌اند. خوب؛ اجتماع این جوانان صالح، خالص، مؤمن، پاک و نورانی در این حوزه علمیه، عجب موقعیت ممتازی است! یکی از وظایف حوزه علمیه این است که اولاً؛ این روح صفا و معنویت را که در این طالبان جوان است، حفظ و در وجود آنها تثبیت و ماندگار و عمیق کند. ثانیاً؛ آن را تکمیل و بیشتر کند؛ پرورش دهد و آنها را نورانی‌تر کند. امروز دنیا، دنیای فاسدی است و فساد دنیا، به همه مناطق عالم سرریز می‌شود. دیوار و حصن و حصار هم نیست؛ مگر تبلیغ و تبیین صحیح. این تبلیغ صحیح را چه کسانی باید انجام دهند؟ انسان‌هایی که خودشان استوار و محکم باشند. و آنان، همین جوانان و روحانیونی هستند که معارف دینی را می‌خوانند و فرامی‌گیرند و بیان می‌کنند. این‌ها از لحاظ اخلاقی و روحی، باید خیلی استوار، پولادین و تأثیرناپذیر باشند.

۱۳۷۳/۶/۲۰



بحث لقاءالله و ملاقات با خداست. هدف آفرینش بشر و هدف «آنک کادحُ الی ربک کدحاً» همه این تلاش‌ها و زحمات‌ها همین است که «فملاقیه»: ملاقات کند. اگر کسی موطن در لقاءالله است و بر لقاءالله توطین نفس کرده است، «فلیرحل معنا: باید با حسین (علیه السلام) راه بیفتد. نمی‌شود توی خانه نشست. نمی‌شود به دنیا و تمتعات دنیا چسبید و از راه حسین (علیه السلام) غافل شد. باید راه بیفتیم. این

راه افتادن از درون و از نفس ما، با تهذیب نفس شروع می‌شود و به سطح جامعه و جهان می‌کشد.

۱۳۷۴/۳/۳



مسئله دیگر در نظام رفتاری و اخلاقی حوزه‌ها، فیض بردن از معنویات است، تهذیب است؛ این خیلی مهم است. جوان امروز حوزه بیش از گذشته به مسئله تهذیب نیازمند است. کسانی که رشته‌های رفتارشناسی عمومی را مطالعه می‌کنند و کار می‌کنند، این را تأیید می‌کنند. امروز در همه دنیا این‌جور است که وضع نظام مادی و فشار مادی و مادیت، جوان‌ها را بی‌حوصله می‌کند؛ جوان‌ها را افسرده می‌کند. در یک چنین وضعی، دستگیر جوان‌ها، توجه به معنویت و اخلاق است. علت این‌که می‌بینید عرفان‌های کاذب رشد پیدا می‌کند و یک عده‌ای طرفشان می‌روند، همین است؛ نیاز هست. جوان ما در حوزه علمیه - جوان طلبه؛ چه دختر، چه پسر - نیازمند تهذیب است. ما قله‌های تهذیب داریم. در همین قم، مرحوم حاج میرزا جواد آقای ملکی، مرحوم علامه طباطبائی، مرحوم آقای بهجت، مرحوم آقای بهاء‌الدینی (رضوان الله تعالی علیهم) قله‌های تهذیب در حوزه بودند. رفتار این‌ها، شناخت زندگی این‌ها، حرف‌های این‌ها، خودش یکی از شفاف‌بخش‌ترین چیزهایی است که می‌تواند انسان را آرام کند؛ به انسان آرامش بدهد، روشنائی بدهد، دل‌ها را نورانی کند.

۱۳۸۹/۷/۲۹



همچنین یاد کنیم از مرحوم آقای نجومی (رضوان الله علیه)؛ عالم، فاضل، درس خوانده، زحمت کشیده، در عین حال یک قله هنری و حقیقتاً یک هنرمند. بعد از انقلاب، قبل از دوره ریاست جمهوری، من یکی از سفرهایی که به کرمانشاه آمدم، منزل ایشان رفتم و کارهای هنری‌اش را از نزدیک دیدم. بعد هم پس از رحلت امام، ایشان یکی از کارهایش را برای من فرستاده بود. من از ایشان درخواست کردم که حدیث شریف «**من نصب نفسه للناس اماماً فليبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره**» را برای من بنویسید

تا جلوی چشم من باشد؛ فراموش نکنیم وظیفه تعلیم خودمان را. ایشان با یک خط بسیار زیبائی نوشتند، من هم تابلو کردم و توی اتاق جلوی چشم من است. «**من نصب نفسه للناس اماما فليبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره**»؛ اگر این تعلیم انجام گرفت، تعلیم غیر، آسان خواهد شد؛ مشکل کار ما این است. عزیزان من! برادران من! فرزندان من! جوانان! طلاب دختر و پسر! اگر می خواهید مثل بوته گلی عطر شما فضا را معطر کند، اگر می خواهید معنویت مثل چشمه‌ای از شما سرازیر شود و بدون اجبار، بدون اکراه، تشنگان بنوشند و به سوی آن بشتابند، راهش این است: «**فليبدأ بتعليم نفسه**».

۱۳۹۰/۷/۲۰



• **خدایمحموری (تقویت رابطه خود با پروردگار)**

تحکیم رابطه با پروردگار، کمک کننده است، گره گشاست. این مطالبی که در اینجا ذکر شد، بخش‌های کوچکی از مشکلات ما و مشکلات کشور ما و مشکلات انقلاب ما و نظام ماست. خیلی مشکلات در بخش‌های گوناگون وجود دارد که باید برطرف بشود با همّت من و شما، با تلاش من و شما؛ ارتباط ما با خدا به ما قدرت می دهد، به ما امید می دهد، به ما دلخوشی می دهد. علاوه بر این که همه این بحث‌های دنیایی، مقدّمه است؛ مقدّمه است برای تعالی روحی، برای عروج... بالأخره شماها که تربیت کننده جوان‌ها هستید، می توانید در مجموعه‌ی زیر ولایت علمی و فکری خودتان هم اثر بگذارید؛ شما که اهل توجه و اهل تضرّع و اهل ارتباط قلبی با خدا باشید، جوان‌ها هم در زیر چتر تعلیم شما و ولایت علمی شما، به طور طبیعی به همین سمت حرکت می کنند.

۹۶/۳/۳۱

• اخلاق و اخلاص

اخلاق و معنویت نور فروزان حیات حوزه است با اخلاق می‌توان ظلمت را شکافت و حیات و بقای حوزه را به فروغ این شعله تابنده تضمین کرد تا زمانی که این درخشش از حوزه نمایان باشد به یقین و اطمینان از بقا و تاثیر آن می‌توان سخن گفت و آن را نهادی مؤثر و ماندنی تلقی کرد: روزی با جمعی از اساتید معروف و بزرگ - که از چهره‌های نام‌آور ما در میان آنها بودند- خدمت امام بودیم یکی از آن بزرگان راجع به حوزه قم... مطالبی به امام گفتند امام در پاسخ فرمودند: «شما بروید دو چیز را در حوزه محکم بچسبید یکی فقه و دیگری اخلاق».

حوزه و روحانیت، ج ۲، ص ۱۹۳.



در همه شؤون روحانیت و وظایفی که علمای دین و روحانیون و ملبسان به این لباس دارند، این اصلاح نفس لازم است و ما باید این مسؤولیت را حس کنیم. قدم اول این است که ما احساس بکنیم مسؤولیت اصلاح نفس را داریم؛ اصلاح از لحاظ اخلاقی و روحی و تدارک کردن اخلاص و قصد قربت و اجتناب از گناه؛ همان که امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) فرمود: «**و لکن اعینونی بورع و اجتهاد و عفة و سداد**»؛ یعنی تلاش دائم برای درست حرکت کردن و منحرف نشدن و عفت و سداد. این احساس را باید بکنیم و به اصلاح فکر و اصلاح بینش و اصلاح سلیقه معوج - اگر خدای نکرده در ما هست- و اصلاح مذاق و مشرب دینی و فقهی و کلامی و سیاسی و غیره توجه کنیم.

۱۳۶۹/۱/۴

● معنویت و ساده‌زیستی

تکلیف ما جامعه روحانیت - که بنده هم طلبه‌ای در این مجموعه عظیم روحانی هستم - این است که هرچه توان داریم، بر استحکام معنوی جامعه علمی روحانیت بیفزاییم. علمای محترم در این زمینه، عملاً و فکراً و مشیاً و زیاً وارد شوند؛ زیرا آبروی روحانیت، آبروی اسلام و انقلاب - بخصوص آبروی امام - است.

۱۳۶۸/۴/۴



در بین جلساتی که عده‌ای گرد هم می‌آیند و ما شاهد آن هستیم، شاید جلسه‌ای برای این حقیر، به شیرینی و زیبایی این جلسه نباشد. جمعی که جوان و اهل علم و تحصیل دانش هستند و در راه صلاح انسانیت و رضای خدا کوشش می‌کنند، گرد آمده‌اند. این جمع، ترکیب بدیع، زیبا و با شکوهی از ارزش‌های گوناگون است و بنده مکرراً عرض کرده‌ام که بیشترین صفا، معنویت و حقیقت، روی هم در مجموعه طلبگی حوزه‌های علمیه است. خدا می‌داند که در این حجره‌ها و مجموعه‌ها و در بین جمع انسان‌های مؤمن، چه دل‌ها، روح‌ها و اخلاص‌ها و چه عشق‌هایی با ارزش‌ها، و چه صفاهایی وجود دارد، که هر کس چند صباحی را در عالم طلبگی گذرانیده باشد، از آن بی‌خبر نیست.

۱۳۷۴/۹/۱۶



عزیزان من! وقتش حالا است. از این فضای معنوی، موارث و یادگارهای معنوی‌ای که در این فضا انباشته است، استفاده کنید. مرحوم سید حسین رضوی، از همین آستان مقدسه و از علمای اوایل قرن چهاردهم است که از حالاتش نقل می‌کنند؛ مثلاً در قنوت نماز وتر، دعای «ابی حمزه» را از ابتدا تا انتها می‌خوانده است! چنین عابدان و زاهدانی را این حوزه تربیت کرده است. من از بزرگان حوزه خواهم می‌کنم، درس اخلاق و تهذیب را برای جوانان مستعد، روشن و نورانی - که در این حوزه فراوان هستند - جدی بگیرند.

پس، نکته اول مغتنم شمردن این فضا، جوانی، فراغت و نورانیّت است که بحمدالله در شما وجود دارد، و این فرصت پایه همه چیز است. صفای طلبگی، همان معنویّت و حجره ساده، تواضع و کم توقّعی آن است، یا خانه‌ای که از حجره، چندان بهتر نیست. به همین دلیل است که بنده در دل خود، این جمع را بسیار ارج می‌نهم و قدر می‌دانم و از خدا می‌خواهم که آنچه رضای او و به سود این جمع و حوزه‌های علمیّه و طبعاً به سود جهان اسلام است، در این فضا منعکس کند و به دل‌ها و گوش‌ها برساند.

۱۳۷۴/۹/۱۶



• بی‌اعتنایی به دنیا

روحانی، آن وقتی سخن نافذ خواهد داشت که عملاً نشان بدهد به زخارف دنیا بی‌اعتناست و آن حرصی که بر دل‌های دنیاداران و دنیامداران حاکم است، بر او حاکم نیست. این را باید به مردم نشان بدهیم. روحانیت، در سایه پارسایی بود که این حیثیت و آبرو را پیدا کرد. این پارسایی و بی‌اعتنایی به دنیا و به زخارف، باید حفظ شود.

۱۳۶۹/۱۲/۲۲



طبیعت کار روحانی اینست که برای شکم و غذا و تامین زندگی تلاش نمی‌کند، نه این‌که روحانی شکم ندارد... اما فرق کاسب و روحانی این است.

۱۳۷۲/۱۲/۸



• زی روحانیت

امروز، اگر روحانیت از زی خود خارج بشود و قدرت طلبی و قدرت نمایی و سوء استفاده بکند و اگر عملی از او سر بزند که حاکی از ضعف تقوا و ورعی باشد که مردم در او سراغ کردند و به او اعتماد دارند، هر کدام از این‌ها لطمه‌اش غیرقابل جبران است. از این جهت هم، امروز وضع ما روحانیون استثنایی است؛ یعنی با دوره قبل از انقلاب فرق می‌کند. البته، در دوره قبل از انقلاب هم، اگر از یک روحانی کاری سر می‌زد، ضایعه بود و به همه روحانیت سرایت می‌کرد؛ اما امروز چون نظام، نظام اسلامی است و روحانیون مظهر اسلام هستند، ضایعه فقط

متوجه جمعی از روحانیون -یا حتی جمع روحانیت- نمی‌شود؛ بلکه ضایعه متوجه اسلام می‌شود و به این زودی هم قابل جبران نخواهد بود.

در این زمینه، امام بزرگوارمان خیلی توصیه‌های آموزنده کردند. باید حفظ زی روحانیت و همان رابطه‌های قدیمی و معمولی با مردم و همان اعمال و حرکاتی که انتزاع تقوا و ورع و ایمان و پایبندی شدید به دین از آن می‌شد و اجتناب از هر چیزی که این اصل را مخدوش بکند، مورد تأکید و توجه قرار بگیرد.

۱۳۶۸/۵/۱۱

اگر خدای نکرده بر اثر بی‌توجهی‌ها، غفلت‌ها، وقت‌شناسی‌ها، وظیفه‌شناسی‌ها و متحرف‌شدن از خط معمولی روحانیت در طول هزار سال، آن ذخیره هزارساله آسیب ببیند؛ آن الماس گران‌بهایی که بر اثر گذشت قرن‌ها و عصرها و دوره‌ها و مجاهدت‌ها و اخلاص‌ها به وجود آمده بود، خدشه‌دار شود، یا بشکند، باز روزگار زیادی لازم خواهد بود، تا بشود آن چنان ذخیره‌ای را فراهم آورد. پس در این روزگار، اولین باید ما مَعْمَمان و متریبان به زی علم و روحانیت، حفظ آن آبرو و حیثیت هزارساله است که بحمدالله در طول دوران انقلاب، این آبرو مضاعف شد و چهره روحانیت شیعه، به خاطر گذشت و فداکاری، درخشندگی پیدا کرد.

۱۳۶۹/۱۲/۲۲

خداوند ان شاءالله توفیق انجام وظیفه و اهتدا به وظیفه به ما عنایت کند؛ ما را هرگز از این زی مقدس روحانی جدا نکند؛ ما را در راه خدمت به دین و خدمت به این رشته مقدس و افتخارآمیز، زنده بدارد و در همین راه هم بمیراند.

۱۳۷۰/۵/۳۰

زی‌طلبگی چیست؟ من زی‌طلبگی را در دو جمله می‌توانم معرفی کنم: **پارسایی باعزت، و نظم در تحصیل و زندگی.**

طلبه پارساگونه زندگی می‌کند... طلاب -چه آن‌هایی که برخوردارند و چه آن‌هایی که دچار سختی‌هایی هستند- باید زی‌طلبگی‌شان محفوظ بماند؛ یعنی حالت پارسایی و قناعت، همراه با عزت نفس، این، یک، دوم، نظم در تحصیل و به تبع آن، نظم در زندگی که **خصوصیت طلبگی، نظم است.**

۷۹/۷/۱۴



روحانیت دارای قداست است. مردم به من و شما که نگاه می‌کنند، به خاطر لباسمان، شأنمان و شغلمان، حساب خاصی برای ما باز می‌کنند و یک تقدسی قائلند. بعضی از گناهانی که خودشان می‌کنند، خیال می‌کنند ماها نمی‌کنیم؛ بعضی از کارهای خیری که خودشان انجام نمی‌دهند، خیال می‌کنند ما انجام می‌دهیم؛ خیال می‌کنند ماها دائم در حال ذکر الهی و توجه به پروردگار -که غالباً از آن غفلت می‌شود- هستیم؛ یک چنین تصویری درباره ما دارند. البته این تصورات را نباید تقویت کرد. امام سجاد (علیه السلام) در یکی از ادعیه صحیفه ثانیه سجاده‌ای از خدای متعال شش چیز می‌خواهد که یکی‌اش این است: «و لَبَّأً رَاجِحاً»؛ باطنم از ظاهرم بهتر باشد. ماها در این زمینه گرفتاریم. باید باطنمان از ظاهرمان بهتر باشد. این قداست را چگونه حفظ کنیم؟ حفظ قداست با سلامت مالی، سلامت اخلاقی و حفظ زی‌طلبگی است. نمی‌گوییم عبای پاره به دوشمان بیندازیم؛ معنای زی‌طلبگی این نیست. معنایش این است که در دنیا طلبی مثل دنیا طلبان عمل نکنیم؛ هر چه هوس کردیم، بخواهیم. من قبل‌ها روایتی دیدم که هر کس هر چه دلش خواست بپوشد، هر چه دلش خواست بخورد و هر مرکوبی که دلش خواست سوار شود، این شخص پیش خدای متعال ملعون است... شأن طلبگی این است که انسان یک زی متوسطی همراه با قناعت، سلامت مالی و سادگی به طور نسبی برای خودش نگه دارد. سلامت اخلاقی، خیلی مهم است. آن وقت قداست حفظ خواهد شد.

۱۳۸۵/۸/۱۷



یکی از چیزهایی که به نظر من به شما کمک می‌کند، این چیزی است که در مورد نبی مکرم، امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «طیب دَوَّارٍ بَطْبَهُ قَدِ احْكَمَ مَرَاهِمَهُ»

و احمی مواسمه». نباید پشت میز و توی اتاق حبس شد. شکل اداری پیدا کردن ما مجموعه روحانی و مجموعه آخوند، به نفع ما نیست. هر مسئولیتی هم در هر جا داریم، این حالت طلبگی خودمان، حالت آخوندی خودمان، حالت روحانی خودمان را - که انس با مردم، رفتن میان مردم، گفتن به زبان مردم، شنیدن درد دل مردم است - باید از دست ندهیم.

البته ما هر دو جورش را در بین روحانیون دیده‌ایم. کسانی بوده‌اند که هیچ سمت رسمی و اداری و این‌ها هم نداشتند، در عین حال رفتارشان با مردمی که با آنها مواجه بودند، مثل رفتار یک آدم اداری، خشک، بی‌انعطاف، بی‌توجه، بی‌محبت و بی‌لبخند بوده است. عکسش را هم دیده‌ایم. کسانی هم بوده‌اند که مسئولیت‌های اداری داشتند، اما در همان گوشه‌ای و ضلعی که با مردم تماس پیدا می‌کردند، رفتار محبت‌آمیز، رفتار پدرا نه، رفتار مشفقانه و دلسوزانه با مردم داشتند؛ این خوب است، این درست است. پس این هم یک مسئله است؛ یعنی **حبس نشدن مجموعه در قالب‌های سازمانی**. نه این که من با سازماندهی مخالف باشم؛ نه، بدون سازماندهی، بدون تشکیلات، مدیریت امکان ندارد و کار هم پیش نمی‌رود. نخیر، بنده معتقد به نظم سازمانی هستم؛ اما معتقدم که این نظم سازمانی نباید ما را از هویت خودمان خارج کند. ما در همه صورت روحانی هستیم. بایستی با همان منش روحانی، به شکل روحانی‌ای که در عالم شیعه وجود دارد، مشی کنیم... این حالتی که در بین روحانیت شیعه وجود داشته - این که با مردم مأنوس است، از مردم مرتزق است، نسبت به مردم مشفق است، دردهای مردم دردهای اوست - این را باید حفظ کنید؛ این چیز خیلی مهمی است.

۱۳۸۹/۴/۲۰





• همراهی تعلیم با تزکیه

از همین‌جا شما جوان‌های عزیز توجه کنید که ورود در میدان معرفت علمی - حالا هر علمی؛ چه علوم انسانی، چه علوم قرآنی، چه علوم طبیعی یا انواع و اقسام علمی که امروز شماها در آن تلاش و کار می‌کنید- و ورود در میدان تحقیق علمی باید شما را از غور و پیشرفت در میدان معرفت دینی، تمرین اخلاقی و کسب فضیلت باز ندارد؛ باید این‌ها را با هم داشته باشید. این آیه‌ای که: ﴿وِیَزْکِیْهِمْ وَیَعْلَمُهُمُ الْکِتَابُ وَ الْحِکْمَةُ﴾ خدای متعال پیغمبر را فرستاد، تا او تعلیم بدهد و تزکیه کند. بنابراین، تعلیم و تزکیه با یکدیگر است؛ این دو را از هم جدا نکنید. این باور که هر کسی وارد میدان علم شد، به طور طبیعی بایستی از فضیلت و معنویت و اخلاق کناره بگیرد، فکری کاملاً غلط و وارداتی و متکی به پیشینه‌ای است که در اروپای مسیحی به وجود آمد و به کلی با محیط اسلامی و با فهم و تعالیم اسلامی سازگار نیست؛ چراکه اگر دانشمند بافضیلت و با اخلاق باشد؛ در هر رشته‌ای، از آن می‌توان امید برای اعتلای بشریت و اعتلای کشور خودش داشت؛ این دانشمند هدف‌ها را هدف‌های ارزشمند می‌کند و حرکتش حرکت به نفع انسانیت و به نفع عدالت و به نفع فضیلت و در جهت مقابل نابسامانی‌های عجیب دنیای امروز خواهد شد. شما سعی کنید این جور دانشمندانی در آینده باشید و هدف خودتان را این مسائل قرار دهید؛ انسان‌هایی باشید که می‌توانند چرخ دنیا را در جهت درست به حرکت دریاورند؛ این را برای خودتان هدف قرار دهید؛ و این ممکن است؛ البته باید کارهای مقدماتی فراوانی برای رسیدن به آن هدف انجام بگیرد.



﴿لقد منّ الله على المؤمنين اذ بعث فيهم رسولا من انفسهم يتلوا عليهم اياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة﴾. یکی هم تزکیه است. تعلیم با تزکیه متفاوت است. اگرچه تعلیم چنانچه به شیوهی صحیح و با متد درست انجام بگیرد، تزکیه را هم در خود دارد؛ اما تزکیه جریان مستقلی است. شما امروز با این چالش مواجه‌اید و مسئله شما مهمتر و دشوارتر است از مسأله علامه حلی یا مسئله علامه مجلسی یا مسائل علمای بزرگی که در طول تاریخ بوده‌اند؛ با آنها قابل مقایسه نیست.

۱۳۸۳/۴/۱۵

آن علمی که ما می‌خواهیم، همراه با تزکیه است. همین آیاتی که اول این جلسه تلاوت کردند، به این نکته اشاره دارد: ﴿هو الّذی بعث فی الامّیین رسولا منهم يتلوا عليهم اياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة﴾. اول، تزکیه است. تربیت دین، تربیت قرآن، تربیت اسلام این است. چرا اول تزکیه؟ برای اینکه اگر تزکیه نبود، علم منحرف می‌شود. علم یک ابزار است، یک سلاح است؛ این سلاح اگر در دست یک انسان بدطینت، بددل، خبیث و آدم‌کش قرار بگیرد، جز فاجعه چیز دیگری نمی‌آفریند؛ اما همین سلاح می‌تواند در دست انسان صالح، وسیله دفاع از انسان‌ها، دفاع از حقوق مردم، دفاع از خانواده باشد. این علم را بایستی آن وقتی در دست گرفت که با تزکیه همراه باشد. این توصیه من به شماست.

۱۳۸۹/۷/۱۴

به قدر تعلیم، یا شاید بیش از تعلیم، به تربیت بیندیشید. به جز در یک جا در قرآن، که «یعلّمهم» جلوتر از «یزکیهم» است، همه جا «یزکیهم» - تزکیه - بر تعلیم مقدم است؛ ﴿یزکیهم و یعلّمهم الكتاب و الحکمة﴾ این شاید نشان دهنده این است که تزکیه جایگاه برتری دارد. مخاطبان خودتان را تزکیه کنید، تربیت کنید. این تربیت هم همین طور که عرض کردیم، «من نصب نفسه للناس اماما فليبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره»، سخت است. این کار سخت را هم باید انجام داد.

در لایه‌های عمیق ذهن مخاطب اثر بگذارید. اکتفاء نکنید به این که احساسات او یا عواطف او جلب شد، راضی بشوید؛ نه، سعی کنید در آن لایه‌های عمیق ذهن اثر بگذارید تا با حوادث گوناگون از دست نرود.

۱۳۹۰/۷/۲۰



• توجه به اهداف متعالی

امروز، حوزه قم، بر قلّه جوامع روحانیت است. در طول تاریخ و در عرض زمان، در هیچ برهه‌ای، حوزه‌ای با این کمیّت و کیفیتِ کاری و با این هدف‌های بزرگ و امیدهای درخشان وجود نداشته است. در گذشته، طلاب در حوزه‌های علمیّه، افق را تیره و تاریک می‌دیدند. آماج تبلیغات آنها، گاهی به یک جماعت چند ده نفری محدود می‌شد. حوزه‌ها به جهان نمی‌اندیشیدند. به پایگاه‌های رفیع سیاسی، اقتصادی و انسانی در اکناف گیتی نمی‌اندیشیدند. امروز در نگاه طلبه جوان، یک روستا نه به عنوان یک محیط محدود، بلکه جهان گسترده‌ای است که در آن، سیاست، استکبار، ابرقدرت‌ها و صفوف به هم فشرده باطل وجود دارند و طلبه در دل و با عزم راسخ خود، به پیشواز این دنیا می‌رود تا علی‌رغم میل دشمنان، در عرصه گیتی، سخن حق را زنده کند و به کرسی بنشانند. اگر به روستا می‌رود، به چشم بخشی از آن دنیای بزرگ به آن نگاه می‌کند. در آن دنیا، روستا، شهر، شهر بزرگ، کارخانه، دانشگاه، محیط‌های اسلامی و غیراسلامی و بلکه ضداسلامی هم وجود دارد. این، امید طلبه امروز و آفاق دید اوست (ما در چه زمان چنین شرایطی را داشتیم؟! و صفای طلبگی، همان دریاچه زلال آرامی است که توفان‌های مادی‌گری، سکون و طمأنینه الهی آن را آشفته نکرده است.

۱۳۷۴/۹/۱۶



• **تحصیل هدفمند برای رفع نیازهای اجتماعی**

در گذشته چنین بود... چون دیدم آدم محقق و خوش بیان و خوش اخلاق و متواضع و نورانی و اهل عبادتی است به درس او رفتم. بنابراین نه استاد و نه شاگرد دنبال نیاز نمی‌رفتند... اما حالا چه؟ حالا در حوزه‌های علمیه درس گفتن و درس خواندن دقیقاً باید به دنبال نیازها باشد.

۱۳۶۲/۹/۳۰

یکی از چیزهایی که در تحول مثبت حتماً لازم است، این است که ما خودمان را و تلاش و فعالیت علمی خودمان را با نیازها منطبق کنیم. یک چیزهایی هست که مردم ما به آنها احتیاج دارند، پاسخش را از ما می‌خواهند؛ ما باید آنها را فراهم کنیم. یک چیزهایی هم هست که مردم احتیاجی به آنها ندارند؛ زیاد کار شده، زیاد تلاش شده؛ خودمان را سرگرم آنها نکنیم. اینها خیلی مسائل اساسی و مهمی است.

۱۳۸۹/۷/۲۹

در کار علمی و فعالیت علمی بحمدالله حرکت شروع شده است؛ یک نکته اساسی در فعالیت‌های علمی این است که فعالیت علمی کشور، ناظر به نیازهای کشور باشد که این به‌طور کامل امروز تأمین شده نیست. بله، (اینکه) شما مقاله‌ای تهیه کنید و مرجع واقع بشود، و به آن ارجاع داده بشود، مایه افتخار است، چیز خوبی است، برای کشور هم خیلی خوب است و نشانه پیشرفت علمی کشور است؛ اما از این مهم‌تر این است که آن چه شما در زمینه مسائل علمی کار می‌کنید، ناظر باشد به نیازهای کشور.

۱۳۹۳/۴/۱۱

• **اصل تسریع در شتاب علمی کشور**

آیا حالا که ما پیشرفت‌های علمی را در زمینه‌های مختلف در کشور مشاهده می‌کنیم، یک نفس راحتی بکشیم، بنشینیم سر جایمان؟ خب، پیدا است که

پاسخ منفی است؛ نه. ما هنوز از خط مقدم علم عقبیم، هنوز در بسیاری از دانش‌های مورد نیاز زندگی دچار عقب‌ماندگی‌های مزمن هستیم؛ با همه‌ی این پیشرفتی که در بخشی از دانش‌ها داشته‌ایم. پس چون دچار عقب‌ماندگی هستیم، باید کار کنیم.

وانگهی کاروان علم در دنیا متوقف که نمی‌شود؛ دارند با سرعت حرکت می‌کنند. ما نه فقط باید جایگاه فعلیمان را حفظ کنیم، بلکه باید جلو برویم؛ اینها همه‌اش تلاش لازم دارد، مجاهدت لازم دارد. لذا اولین حرف ما به دانشگاه‌های کشور و دانشمندان کشور و نخبگان کشور این است که نگذارید این حرکت از دور بیفتد، نگذارید حرکت علمی کشور متوقف شود؛ هیچ مانعی نتواند دانشگاه کشور را از رشد به سمت پیشرفت علمی باز بدارد. این که ما روی علم تکیه می‌کنیم، فقط به جهت احترام آرمانی به علم نیست - که البته این خودش یک نقطه‌ی مهمی است؛ اسلام برای علم ارزش ذاتی قائل است - لیکن علاوه بر این ارزش ذاتی، علم قدرت است. یک ملت برای این که راحت زندگی کند، عزیز زندگی کند، با کرامت زندگی کند، احتیاج دارد به قدرت. عامل اصلی که به یک ملت اقتدار می‌بخشد، علم است. علم، هم می‌تواند اقتدار اقتصادی ایجاد کند، هم می‌تواند اقتدار سیاسی ایجاد کند، هم می‌تواند آبرو و کرامت ملی برای یک ملت در چشم جهانیان به وجود بیاورد. یک ملت عالم، دانا، تولید کننده علم، در چشم جامعه بین‌المللی و انسان‌ها طبعاً با کرامت است. پس علم علاوه بر کرامت ذاتی و ارزش ذاتی، این ارزش‌های بسیار مهم اقتدارآفرین را هم دارد. بنابراین باید این حرکتی که وجود دارد، این شتابی که وجود دارد، به هیچ‌وجه متوقف و کند نشود.

۱۳۹۲/۵/۱۵



• **اجتهاد و تولید علم**

حوزه‌های علمیه یک کارخانه عظیم انسانی است که باید دائم تولید کند... ما بایستی مسایل اقتصادی و نظامی و سیاست خارجی و ارتباطات اخلاقیمان را از دین در بیاوریم خیلی از مسایل فردیمان را باید بازنگری کنیم. (۱۳۷۰/۱۱/۳۰)

باید تلاش خیلی سریعی در قم انجام بگیرد. باید کار خیلی وسیع و همه جانبه و پر مغز و پر محتوا و پخته‌ای - نه عجولانه و سرسری - انجام بگیرد.

۱۳۷۰/۱۲/۱

فضای بنام و شخصیت‌های برجسته حوزه و کسانی که از همه مورد قبول هستند و در داخل حوزه محترمند بایستی پیش قدم بشوند و استقبال کنند.

۱۳۷۱/۶/۲۹

شرط اساسی برای تحول سالم و تکامل بخش در حوزه نظم و انضباط و برخورداری از مرکزی اندیشمند و مطاع است.

۱۳۷۴/۹/۱۴

یکی از نقشه‌های مهم دشمن، متوقف کردن حرکت علمی در کشور است. اینجا آن مدیریت جهادی که ما عرض کردیم، معنا پیدا می‌کند. چون جهاد عبارت است از تلاشی که در مقابل یک دشمنی‌ای انجام می‌گیرد؛ هر جور تلاشی جهاد نیست. جهاد عبارت است از آن تلاشی که در برابر یک چالش خصمانه از سوی طرف مقابل صورت می‌گیرد؛ این جهاد است. آن وقت معنای مدیریت جهادی در اینجا این است که توجه بکنید که حرکت علمی کشور و نهضت علمی کشور و پیشرفت علمی کشور مواجه است با یک چالش خصمانه، که در مقابل این چالش خصمانه شما که مدیرید، شما که استادید، شما که دانشجو هستید، باید بایستید؛ این شد حرکت جهادی و مدیریت دستگاه؛ دانشگاه در اختیار کسانی قرار نگیرد که پیشرفت علمی را به هیچ می‌انگارند؛ به آن اهمیت نمی‌دهند؛ دانشگاه در اختیار کسانی قرار بگیرد که عاشق پیشرفت علمی کشورند؛ اهمیت این مسئله را برای سرنوشت این ملت و برای سرنوشت این کشور درک می‌کنند. این عرض اصلی ماست؛ مخاطب این مسئله، هم مسئولین دولتی هستند، هم مسئولین دانشگاه‌ها هستند، هم خود شما اساتید هستید؛ دانشگاه حرکتی را شروع کرده، نگذارید این حرکت متوقف بشود؛ این حرکت بایست ادامه پیدا کند و باید مضاعف بشود. عرض کردم ما هنوز خیلی

راه در پیش داریم تا به آن نقطه‌ای برسیم که از لحاظ علمی مورد نظر است؛ خیلی باید تلاش کرد؛ خیلی باید مجاهدت کرد.

۱۳۹۳/۴/۱۱



• بهره‌گیری از ابزار و متدهای علمی

ما مصرف‌کننده شده‌ایم. حوزه نمی‌تواند مصرف‌کننده باشد؛ حوزه باید تولیدکننده باشد. حوزه باید به ائمه جمعه و همه گویندگان و این همه مبلغی که شما می‌فرستید خط بدهد.

۱۳۶۱/۱۲/۵



مسئول تعمیق فرهنگ دینی و مصونیت بخشیدن جامعه در برابر تحریف باورها و ارزش‌های اسلامی «چیزی که ما امروز در جامعه‌مان لازم داریم و باید در حوزه‌ها پایه آن گذاشته بشود، عبارت است از عمق بخشیدن به تفکر اسلامی در ذهن مردم.

۱۳۶۷/۶/۱۰



این مجموعه‌ای که امروز به یک معنا چشم امید جهانی به اوست و مایه اتکا و امید امروز و آینده کشور است باید خودش را با شرایط و امکانات و پیشرفت‌های زمان هماهنگ کند.

۱۳۷۰/۱۲/۱



میدان دادن به افکار نو در حوزه

در حوزه باید به افکار جدید در همه زمینه‌ها میدان داده بشود. منظور از افکار جدید، انحراف و التقاط و خروج از اصول نیست.

۱۳۷۱/۶/۲۹



• آمادگی برای پاسخگویی به شبهات

در دوره‌های مختلف، علمای بزرگ ما را ملاحظه کنید؛ یکی از مسؤلیت‌های خودشان را این می‌دانستند که با شبهات مقابله کنند. مقابله هم یا به نحو پیشگیری است یا به نحو درمان. پیشگیری، بهتر از درمان است. این که کلام را تعلیم می‌دادند، فلسفه را تعلیم می‌دادند و شخصیتی مثل علامه حلی - که فقیه عالیقدری است - هم در کلام کتاب دارد، هم در فلسفه کتاب دارد، به خاطر این بود که با باور کردن عقلیت مخاطبان خودشان بتوانند از ورود یا جایگیر شدن شبهه‌ها در ذهن پیشگیری کنند. مخاطب آنها - چه انسان معمولی یا طالب علم، یا شخص فرزانه و تحصیلکرده - در مقابل شبهه‌ای که به ذهن او می‌رسید یا دیگری به ذهن او وارد می‌کرد، در نمی‌ماند. کار دیگر هم این بود که شبهه را درمان کنند؛ اگر شبهه‌ای پیش می‌آمد، مجالس کلامی و بحث و پاسخ به سؤالات تشکیل دهند و کتاب بنویسند تا شبهه‌ها را برطرف کنند. برای این کار، فقه و فلسفه و کلام و تفسیر و علوم مقدماتی می‌خواندند؛ از تاریخ مطلع می‌شدند و بسیاری از علوم عصر خود را فرا می‌گرفتند تا بتوانند دین را تبلیغ کنند.

۱۳۸۳/۴/۱۵

• آشنایی با علوم روز

حوزه علمیه باید بداند که مثلاً امروز پنجاه عنوان کتاب وجود دارد. در درجه اول ما باید در پنجاه موضوع و در درجه دوم در صد و بیست موضوع کتاب نوشته باشیم و یا بنویسیم.

۱۳۶۸/۹/۷

حوزه باید در متن حوادث علمی عالم باشد در دنیا چه نظرات و چه ایده‌هایی هست و چه فکری می‌جوشد. گاهی در این فکرها عناصر مطلوبی هست، عناصر نامطلوبی هم هست؛ قبل از این که بیاید دفاع مناسبش را آماده کنید و ذهنیت جامعه را واکسینه نمایید.

۱۳۷۰/۱۲/۱

استادان دروس معارف، فرصت بسیار ارزشمندی را دارند در دانشگاه؛ این مجموعه عظیم دانشجویان، جماعت میلیونی دانشجو در ساعات فراوانی در اختیار استاد معارفند؛ این خیلی فرصت بالارزشی است. بهترین جوان‌ها در اختیار شما هستند؛ اگر استاد معارف با هوشمندی، با تکیه به معلومات عمیق و به‌روزشده در مسائل گوناگون فکری و اسلامی، با دانشجو مواجه بشود، ما بیشترین سود را از حضور اساتید معارف در دانشگاه خواهیم برد.

۱۳۹۳/۴/۱۱



• آگاهی سیاسی

امروز دیگر مثل سابق نیست که علما بروند کنج خلوتی پیدا کنند و با خیال راحت آنجا درس بخوانند نه عالمی که فردای این مملکت احتیاج دارد باید با مسایل زندگی و مسایل روز آشنا باشد. سیاست و فهم سیاسی و جهت‌شناسی سیاسی جزو شؤون عالم است.

۱۳۶۶/۱/۳



زمان شناسی

نیاز لحظه را برآوردن، کار کمی نیست؛ اولاً؛ درک و استعداد و تیزبینی می‌خواهد؛ ثانیاً، شهامت و شجاعت می‌خواهد که وقتی دیگران کاری را نمی‌کنند او انجام دهد.

۱۳۶۱/۲/۷



روحانیونی که به جبهه می‌روند مظهر آن روحانی‌ای هستند که می‌توانند مفید واقع بشود.

۱۳۶۵/۲/۶



در ایران خود ما هم نهضت مشروطیت و پیش از آن نهضت تنباکو و... به پیشقراولی و پیشاهنگی علما بود و الا پیش نمی‌رفت.

۱۳۶۹/۱۲/۲۲



• وظیفه‌شناسی

روحانیون وظائف اجتماعی هم دارند. روحانیون بایستی در مسائل اجتماعی وارد شوند؛ منتها آن نکته اساسی این است که این ورود روحانی در مسائل اجتماعی باید ورود همراه با روحانیت باشد، نه با تحکم؛ اگر با تحکم شد، دیگر فایده‌ای ندارد. خصوصیت روحانی این است که با روحانیت، با اخلاق، با نصیحت، با ارائه

راه، اطراف قضیه را آگاه کند، مشتاق کند، قانع کند، به یک کاری وادار شوند. اگر با تحکم شد، فایده‌ای ندارد. روحانی باید در مقام روحانی عمل کند. البته اگر شما رئیس‌جمهور شدید، در مقام رئیس‌جمهور یک وظیفه دیگری دارید، در مقام قاضی یک وظیفه دیگری دارید؛ اما در مقام روحانی، وظیفه این است که با زبان روحانیت و با زبان انبیاء با مردم حرف بزنید؛ با تحکم نباید باشد، با روحیه سیاسی کارانه نباید باشد.

۱۳۹۰/۷/۲۰



• اصل مسؤلیت در قبال تحولات دنیا

وضع دنیا که در آستانه یک تحول یا در حال یک تحول است، قابل انکار نیست؛ موقعیت ویژه کشور هم قابل انکار نیست. حالا اینجا یک سؤال مطرح می‌شود. سؤال این است که آیا دانشگاه کشور - و نیز البته حوزه علمی - در قبال این حوادثی که در دنیا دارد اتفاق می‌افتد، مسؤلیتی دارد یا نه؟ من می‌خواهم شما اساتید محترم، دانشمندان محترم، نخبگان بزرگ کشور، این را مورد توجه قرار دهید. آیا در یک چنین شرایط به این اهمیت و حساسیت، دانشگاه یا حوزه می‌تواند برای خودشان یک مسؤلیتی تعریف نکنند و نقش تماشاچی داشته باشند؟ چه برسد به این که خدای نکرده بخواهند نقشی در حمایت از جبهه مقابل جبهه حق به عهده بگیرند. آنچه که به نظر می‌رسد لازم است، این است که دانشگاه‌های کشور و حوزه‌های علمیه کشور در این شرایط، مسؤلیت سنگینی دارند. کار توفیق ملت ایران و کشور ایران در این برهه بسیار مهم و حساس تاریخی، در درجه اول بر دوش دانشمندان است. اگر در درجه اول هم نگوئیم، یقیناً یکی از عناصر رتبه اول و صف اول برای تأثیرگذاری در این تحولات، دانشگاه‌ها هستند. دانشگاه می‌تواند کاری کند که کشور و ملت و تاریخ ما در این تحول برنده باشد؛ می‌تواند هم خدای نکرده کاری کند که نه، برنده نباشد. به نظر من دانشگاه در این زمینه مسؤلیت بسیار حساس و بزرگی دارد. (۱۳۹۱/۵/۲۲)

• اصل پایبندی به مبانی دینی و اصالت‌های وطنی و مسائل انقلابی

انقلاب و امام حقیقتاً بر حوزه‌های علمیه‌ی ما حق حیات دارند اگر این انقلاب و این حرکت عظیم نبود آن مشی‌ای که دستگاه‌های ضددینی پیش گرفته بودند، حوزه‌ها را پوک می‌کرد و از بین می‌برد.

۱۳۷۱/۶/۲۹

اگر نگاه استاد به بیرون از مرزها باشد و اعتقادی به کشور و مفاهیم رایج و معتبر هویتی نداشته باشد، دانشجویانی با همان نگاه فاسد تربیت می‌کند که این تجربه بسیار تلخ در دوره پهلوی در کشور بوجود آمد و انقلاب اسلامی در واقع کشور را از بر سر کار آمدن آن نسل که از همه اصالت‌های دینی و ملی کاملاً تهی بود، نجات داد.

۱۳۹۷/۳/۲۰

• بصیرت و دشمن‌شناسی

البته ما در طول زمان از بی‌هوشی و خطانشناسی ضربه زیادی خورده‌ایم. امروز طلاب جوان و فضلا باید توجه کنند که بصیرت و آگاهی و بیداری که لازمه هدایت امت اسلامی است از دست ندهند.

۱۳۶۳/۲/۲۷

یک مسئله دیگر در زمینه‌ی نظام رفتاری و اخلاقی حوزه، مسئله گرایش‌ها و احساسات انقلابی در حوزه است. عزیزان من! فضای انقلابی در کشور دشمنان عنودی دارد، دشمنان کینه‌ورزی دارد. با حاکمیت فضای انقلابی در کشور مخالفند؛ می‌خواهند این فضا را بشکنند. شما دیدید در یک دوره‌ای شهادت را زیر سؤال بردند، جهاد را زیر سؤال بردند، شهید را زیر سؤال بردند، نظرات امام را زیر سؤال بردند، پیغمبران را زیر سؤال بردند! مسئله این نیست که فلان زیدی با این مفاهیم مخالف است؛ مسئله این است که این مخالفت از نظر دشمن باید در جامعه مطرح شود؛ فضا سازی شود و فضای انقلابی بشکند. در حوزه‌ی علمیه همه باید به این مسئله توجه کنند. در متن جامعه اینجور است، طبعاً در حوزه‌های علمیه هم اینجور است. می‌دانند که شمای روحانی فقط یک فرد نیستید؛ مستمع

دارید، علاقه‌مند دارید؛ بنابراین در محیط پیرامون خودتان اثر می‌گذارید. می‌خواهند فضای انقلابی را بشکنند، روحانی انقلابی را منزوی کنند. تحقیر بسیج، تحقیر شهید، تحقیر شهادت، زیر سؤال بردن جهاد طولانی این مردم اگر خدای نکرده در گوشه و کنار حوزه به وجود بیاید، فاجعه است. بزرگان حوزه بایستی مواظب و مراقب باشند و مانع بشوند.

۱۳۸۹/۷/۲۹



• هدایت‌گری

نقش روحانیون، نقش هدایت و دستگیری معنوی است. همه به روحانی احتیاج دارند -همچنان که به طبیب احتیاج دارند- و اگر روحانی در هر نقطه‌ای به وظایف خود عمل کند، آن جا را از لحاظ معنوی آباد خواهد کرد. گاهی وجود ما عمامه‌ای‌ها در جاهایی بی‌اثر می‌شود، یا احیاناً خدای ناکرده اثرهای منفی بر جای می‌گذارد؛ این به خاطر این است که ما در آن مورد با وظایف و هویت و منش یک روحانی ظاهر نشده‌ایم. در طول سال‌های متمادی عمر روحانیت شیعه، هر جا روحانیون با منش و هویت روحانی خود ظاهر شده‌اند، برکاتی بر جای گذاشته‌اند؛ چه در میدان سیاست، چه در میدان معنویت، چه در میدان‌های مربوط به رزم و دفاع از کشور و امنیت، و چه در هر میدان دیگری. شأن روحانی این است.

۱۳۸۳/۱۰/۲۳



• توجه به قشر جوان در حوزه

ما باید این طلبه‌ای را که نظام و کشور به او امید بسته‌اند به صورت بنیان مرصوصی درستش کنیم تا آن روزی که بزرگ می‌شود -حالا یا مدرس می‌شود یا مرجع می‌شود یا مبلغ می‌شود یا خارج می‌رود یا یکی از مسئولین دولتی می‌شود- لنگ نزنند.

۱۳۷۰/۱۱/۲۸

استادان دروس معارف، فرصت بسیار ارزشمندی را دارند در دانشگاه؛ این مجموعه عظیم دانشجویان، جماعت میلیونی دانشجو در ساعات فراوانی در اختیار استاد معارفند؛ این خیلی فرصت باارزشی است.

۱۳۹۳/۴/۱۱



• بهره‌مندی از جایگاه استادی برای تربیت دانشجویان

استاد جایگاه تأثیرگذاری در ذهن شاگردان خودش دارد؛ خاصیت استادی این است؛ یعنی تفوق علمی شما بر دانشجو و تعلیمی که به او می‌دهید، یک جایگاه اثرگذاری برای شما در ذهن او و در شخصیت او به وجود می‌آورد؛ از این جایگاه برای تربیت دانشجویان استفاده کنید. ما امروز نیازمندیم که جوانان ما خوش روحیه، امیدوار، شجاع، دارای اعتماد به نفس، دارای ایمان، دارای روحیه آینده‌نگر، دارای روحیه خدمت [باشند]؛ احتیاج داریم دانشجوی ما اینجور بار بیاید. خب، این را شما می‌توانید در محیط علمی، در کلاس درس تأمین کنید. عکس آن هم ممکن است: می‌شود با تعبیراتی، با متلک گفتن به بنیان‌ها و اصول پذیرفته‌شده کشور، دانشجو را نسبت به آینده کشور بی‌اعتماد کرد، بی‌اعتقاد کرد، لابلای کرد؛ این هم می‌شود. آن‌چه از استاد انتظار می‌رود فقط تغذیه علمی دانشجو نیست، بلکه تقویت روحیه معنوی او و شخصیت معنوی او هم از استاد متوقع است؛ شما می‌توانید در این زمینه اثر بگذارید. سعی کنید دانشجو را پایبند به تعلقات معنوی، تعلقات خانوادگی، تعلقات میهنی بار بیاورید؛ دانشجو را معتقد و مؤمن به فرهنگ اسلامی بار بیاورید. استاد در محیط دانشگاه، در محیط درس، می‌تواند دانشجوی خودش را، هم از لحاظ دینی مؤمن بار بیاورد، هم از لحاظ میهنی، انسان علاقه‌مند به آینده‌ی کشورش و آینده‌ی میهنش و سرنوشت ملتش بار بیاورد؛ می‌تواند او را امیدوار، باروحیه، خوش‌بین، معتقد به مبانی نظام کشور بار بیاورد؛ می‌تواند هم عکس عمل بکند. توقعی که از استاد است این است: نباید سخن استاد موجب دلزدگی و یأس دانشجوی جوان بشود؛ منش استاد هم همینجور است.

۱۳۹۳/۴/۱۱

استاد، محیط دانشگاه را کار اصلی خود و دلبستگی اصلی خود بدانند؛ نه کار دوم؛ نه کار فرعی و تبعی. استاد در دانشگاه مکث داشته باشد، توقف داشته باشد، حضور داشته باشد، نیازهای علمی دانشجوی را برطرف کند، با دانشجو ارتباط برقرار بکند، صرف رفتن و یک ادای تکلیفی به نحو اجمالی انجام دادن و آمدن نباشد. وقت بگذارند اساتید؛ دلسوزانه با دانشجو برخورد کنند؛ این کار، دانشجو را هم به تلاش علمی وادار خواهد کرد، یعنی این موجب می شود که دانشجو رفتار استاد را در زمینه‌ی پیگیری کار علمی برای خودش الگو قرار بدهد و به‌طور طبیعی تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

۱۳۹۳/۴/۱۱

• آینده‌نگری

امروز ما برای آینده جامعه به مطالب دیگری نیاز داریم که در قرآن و حدیث هست... امروز اگر ما... خود را برای پنج یا ده سال دیگر آماده نکنیم با مشکلات مواجه خواهیم شد.

۱۳۶۱/۲/۱۶

ما باید حساب کنیم که فرضاً در سی سال آینده، این کشور اسلامی، چند نفر قاضی مجتهد عادل لازم دارد حوزه باید این‌طور خیز بردارد که بتواند تا سی سال آینده این تعداد را تربیت کند.

۱۳۶۸/۹/۷

یکی از وظایف دانایان و خردمندان و نخبگان یک کشور، نگاه به آینده است. ما می‌خواهیم بیست سال بعد چه جور ایرانی داشته باشیم، این مهم است. اگر درباره اقتصاد بحث می‌کنیم، درباره‌ی علم بحث می‌کنیم، درباره فناوری بحث می‌کنیم، درباره اخلاق و معرفت بحث می‌کنیم، هدف این است که معلوم باشد ما برای مقطع بیست سال بعد چه جور ایرانی را می‌خواهیم.

بیست سال بعد دانشجویان امروز در مسندهای مدیریتی قرار دارند، کشور را اداره می‌کنند؛ اهمیت کار شما استادان و مسؤولان دانشگاه‌ها اینجا است؛ یعنی این کسانی که امروز دانشجوی شما هستند، بیست سال بعد اینها

رئیس‌جمهورند، وزیرند، نماینده مجلسند، مدیر فلان دستگاهند، یعنی کشور دست اینهاست؛ شما می‌خواهید بیست سال بعد چه داشته باشید؟ این نقطه بسیار مهمی است، سؤال مهمی است، دغدغه و اشتغال ذهنی مهمی است که دانایان کشور و خردمندان کشور که شماها از آن جمله هستید، نمی‌توانند نسبت به آن چشم‌پوشی کنند.

۱۳۹۵/۳/۲۹



• برنامه ریزی در جهت تحول و بررسی نارسایی‌ها

این راست است که بگوییم سال‌ها - اگر نگوییم قرن‌ها- از برنامه‌ریزی عقب هستیم.

۱۳۶۳/۶/۲۷



اگر تشکیلاتی به وجود آمد؛ اما هدف روشنی نداشت یا هدف داشت و لیکن برنامه‌ریزی برای رفتن به سمت آن هدف انجام نگرفت و تشکیلات بی‌کار ماند به خودی خود تشکیلات از هم خواهد پاشید.

۱۳۶۸/۹/۷



یکی از نارسایی‌ها عدم گسترش کمی متناسب روحانیت است.

۱۳۷۴/۹/۱۴



فقه - که کار اصلی ماست- به زمینه‌های نوظهور گسترش پیدا نکرده یا خیلی کم گسترش پیدا کرده است. امروز خیلی از مسائل وجود دارد که باید فقه تکلیف اینها را معلوم کند.

۱۳۷۴/۹/۱۴



• توجه به کارهای گروهی

کار دسته جمعی، اشتراک مساعی، ابزارهای مناسب را جمع کردن و آوردن، اینها کارهای جدید دنیاست... اما ما هنوز با آن چندان آشنا نیستیم.

۱۳۷۰/۱۲/۱



• **ترویج تفکرات ناب دینی**

اگر کسی خیال کند که به غیر از جامعه علمی روحانیت تشیع کسی خواهد توانست قرآن و اسلام را علم کند و تبیین و تفهیم نماید و... تصور غلط و اشتباهی است. (۱۳۶۹/۸/۵)

• **تبیین مهمات کشور**

یکی از کارهای اساتید، مسئله‌ی تبیین است... ما از چند سال قبل از این آمدیم گفتیم «الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت»؛ بنده کلمه توسعه را هم عمداً به کار نبردم. بنده عمداً گفتم کلمه توسعه را من به کار نمی‌برم؛ چون کلمه توسعه یک کلمه غربی است؛ یک مفهوم غربی دارد؛ من کلمه پیشرفت را به کار می‌برم؛ الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی. خب این الگو را بگردیم پیدا کنیم! چرا باید برای پیشرفت ما، دست‌های غربی الگو بدهند به صورت همین سند توسعه‌ی پایدار یا ۲۰۳۰ و امثال این‌ها؟ این‌ها کار کیست؟ کار شماهاست، کار دانشگاه‌هاست، کار اساتید است.

۱۳۹۶/۳/۳۱



• **اصل حضور فعال در نظام**

نظام جمهوری اسلامی به طبیعت خود نظامی وابسته به علمای دین است و علمای دین هم از این حیث که در پدید آوردن این نظام سهم وافر داشته‌اند و هم این که مردم درباره نظام به آنها مراجعه می‌کنند و هم از این جهت که خود از جهات مختلف و در مشاغل مختلف در نظام مسئولند وظیفه سنگینی به عهده دارند.

۱۳۷۰/۱۱/۳۰



• **پاسداری از نظام اسلامی**

ما روحانیون باید خالصانه و مخلصانه و متواضعانه تلاش کنیم تا این نظام جلو برود نباید منتظر باشیم که ما چون عمامه‌ای و آخوندیم هر جا هستیم درها روی ما باز بشود ما نباید از این نظام توقع داشته باشیم؛ این نظام باید از ما توقع داشته

باشد علتش هم واضح است برای خاطر این است که این نظام، نظامی است که می تواند اسلام را تأمین کند.

۱۳۶۴/۸/۱۴



اساتید ما باید نقش خودشان را در ایجاد بالندگی در دانشگاه از یک سو، و حراست از ارزش‌های انقلاب و اسلام در دانشگاه از سوی دیگر پیدا کنند و تعریف کنند؛ یعنی باید نقش آفرینی کنند. شما اساتید محترم در دانشگاه باید نقش آفرینی کنید. انگیزه‌های مخالف وجود دارد، باید نقش آفرینی بشود.

دو جور نقش آفرینی وجود دارد: یکی شاگردپروری و عالم‌پروری است یعنی نقش آفرینی روی دانشجو؛ یکی نقش آفرینی در بیرون محیط دانشگاه؛ دو جور نقش آفرینی ما توقع داریم که اساتید دانشگاه ما داشته باشند.

اما در مورد شاگردپروری، اهمّیت این کار خیلی بالا است. شما می‌خواهید نیروی انسانی را آماده کنید برای یک دوران آینده بسیار پرمسئله؛ دوران‌های آینده ما یعنی دهه‌های آینده ما، دهه‌های بسیار پرمسئله‌ای است؛ مسائل گوناگونی (دارد)؛ می‌بینید تحولات دنیا را؛ تحولات بسیار سریع و بسیار قاطع (است). یا این است که این تحولات آینده، موجب خواهد شد که این حباب وابستگی، این حصار وابستگی‌ای که به صورت تاریخی روی ملت ایران گذاشته شده‌است، شکسته خواهد شد و ما از این حباب و از این حصار بیرون می‌آییم و جای خودمان را پیدا می‌کنیم، شأن خودمان را پیدا می‌کنیم، حرف خودمان را در دنیا علم می‌کنیم، مطرح می‌کنیم، نیروی انسانی ما، نیرویی که امروز شما دارید تربیت می‌کنید، با همّت خود، با عزم خود، با سواد خود و دانشی که آموخته، با روحیاتی که به او داده شده، خواهد توانست این حصار وابستگی و تعطیل و مانند این‌ها را بشکند و واقعاً یک حرکت به معنای واقعی بکند و ایران و ایرانی در جایگاه واقعی خودش قرار بگیرد؛ یا خدای نکرده، وارد یک دوران تحقیرشدگی طولانی دیگری خواهد شد، اگر چنانچه این خصوصیات را نیروی انسانی ما نداشته باشد؛ اگر نیروی انسانی ما وابسته اندیشید، وابسته حرکت کرد، از وابستگی خودش آمد، قدر استقلال را ندانست، قدر اسلام و

ارزش‌های اسلامی را ندانست، به خودش بی‌اعتماد بود - اگر این جور بود - آن وقت ما وارد یک دالان تاریک طولانی دیگری خواهیم شد، مثل همین دورانی که در زیرسلطه غرب از اندکی قبل از مشروطه تا قبل از انقلاب قرار داشتیم که با زحمت زیاد و با تلاش زیاد، توانستیم خودمان را به یک نحوی نجات بدهیم؛ باز وارد همان فرآیند تلخ دشوار گذشته خواهیم بود. این بستگی دارد به این که شما امروز این دانشجو را چه جوری پرورش بدهید. بنابراین پرورش دانشجو به نظر من خیلی مهم است.

شما جوان را باید تربیت کنید برای آن صورت اول؛ برای این که این جوانی که امروز شما تربیت می‌کنید، بتواند در قبال قضایای آینده و حوادث و تحولات مهمی که جهان در مقابل خود دارد نه فقط کشور ما یا منطقه غرب آسیا که البته تحولات جهانی... یک عنصری باشد مقاوم، با عزم و اراده، با ایمان، دارای اعتماد به نفس، کاربلد، کاردان، آگاه باشد، عمیق باشد، انقلابی باشد، متدین باشد تا بتواند در آن روز کشور را به راهی که شایسته او است ببرد.

یکی از خصوصیات این جوانی که شما تربیت می‌کنید و روی او اثر می‌گذارید باید دارا باشد، (این است که) معتقد و مباهی به هویت ملی خود باشد. ... باید با این هویت ملی، این جوان را آشنا کنید که مباهی به این هویت باشد و به استقلال که البته غالباً جوان‌های امروز ما، قدر استقلال را هم نمی‌دانند. این یک جور نقش اساتید بر روی دانشجوها است. نقش دوم، نقش در مسائل کشور است.

۱۳۹۶/۳/۳۱



• پرهیز از دسته‌بندی‌های سیاسی

آگاهی سیاسی غیر از سیاست بازی و سیاست کاری است که از سرشب تا وقت قضا شدن نماز مغرب و عشا در حجره مدرسه یا در خانه بنشینند با چهار نفر

طلبه به اصطلاح بحث سیاسی بکنند و توطئه بچینند که اگر حوزه رفتیم فلانی را بکوبیم و فلانی را.

۱۳۶۴/۶/۱۱

حفظ وحدت را اصل قرار دهیم و اگر تکلیف شرعی‌ای هم احساس کردیم ولی دیدیم که عمل به این تکلیف ممکن است مقداری تشنج به وجود آورد و وحدت را از بین ببرد قطعاً انجام آنچه که تصور می‌کردیم تکلیف شرعی است حرام است و حفظ وحدت واجب خواهد بود.

۱۳۶۸/۴/۱۲

• مردمی بودن و توجه به توقعات جامعه از طلبه

در تشیع روحانیت با مردم مرتبط و پیوسته است... شما زندگی مردم متدین را ملاحظه کنید، چه امروز و چه در دوره اختناق و قبل از آن هم به طریق اولی زندگی مردم با حضور روحانیت به هم آمیخته است.

۱۳۶۶/۹/۱۱

هر روحانی که از مردم جدا شد از روحانیت ساقط گردید.

۱۳۶۶/۹/۱۱

منش روحانی نباید فرماندهی باشد؛ هرچند تشریفات فرماندهی اصلاً مردمی محض است. شما فرض کنید در فلان محله تهران یا هر شهر دیگری پیش‌نماز یک مسجد هستید. پیش‌نماز یک مسجد چگونه رفتار می‌کند؟ با امر و نهی و پُسر و پیشرو رفتار می‌کند؟ اگر بکند، مردم به نمازش نمی‌آیند. همیشه گرم‌ترین نماز جماعت‌ها متعلق به پیش‌نمازهای مردمی است: با مردم گرم می‌گیرند؛ با مردم خوش اخلاقی می‌کنند؛ بی‌حوصلگی نشان نمی‌دهند؛ بدخلقی نشان نمی‌دهند، جواب مسئله‌شان را می‌دهند؛ یک وقت اگر کسی بیماری و مشکلی داشته باشد، اگر با پول نتوانند، با اخلاق آن مشکل را تسکین می‌دهند. گفت: چو وا نمی‌کنی گرهی خود گره مباح ابرو گشاده باش چو دست گشاده نیست

به عنوان آخوندی، دست ما گشاده نیست؛ اما ابرویمان که می‌تواند گشاده باشد.
۱۳۸۳/۱۰/۳۳

کسانی که این لباس را پوشیدند و در این سلک وارد شدند بی تردید وضع ویژه‌ای دارند. مردم از اینها توقعات بیشتری دارند و نسبت به اینها نظر تیزتر و دقیق‌تری هست.

۱۳۷۱/۱۱/۸

تکریم و تواضع

مسئله بعدی، مسئله نظام رفتاری و اخلاقی حوزه‌هاست؛... چند تا سرفصل در این خصوص وجود دارد که من این جا یادداشت کرده‌ام: تکریم اساتید. نظام رفتاری و اخلاقی ما در حوزه‌ها باید در این جهت حرکت کند؛ تکریم استاد، تکریم عناصر فاضل، به خصوص تکریم مراجع تقلید. هر کسی آسان به حد مراجع معظم تقلید نمی‌رسد؛ صلاحیت‌های زیادی لازم است. غالباً مراجع قلّه-های علمی حوزه‌های علمیه محسوب می‌شوند. بنابراین احترام مراجع بایستی محفوظ باشد؛ باید تکریم شوند.

احترام به استاد هم یک مسئله است. یکی از سنت‌های رائج حوزه‌های علمیه، تواضع شاگرد در مقابل استاد بود؛ احترام به استاد. «آداب المتعلمین» می‌نوشتند، که متعلم در مقابل معلم چه وظائفی دارد و معلم چه حقوقی بر او دارد؛ همچنان که متقابلاً متعلم بر معلم حقوقی دارد. این که استاد بیاید بگوید و برود، نه؛ حرف شاگرد را می‌شنفتند، گوش می‌کردند. این‌ها از قدیم معمول بوده است. در همین زمان ما بعضی از بزرگان بودند، الان هم هستند؛ شاگرد بعد از درس، تا خانه استاد او را همراهی می‌کرد؛ بحث می‌کرد، صحبت می‌کرد، سؤال می‌کرد. گعده، گعده علمی؛ نشست، نشست تحقیقی و سؤال و جواب؛ این‌ها سنت‌های خوب حوزه ماست. دیگران می‌خواهند این‌ها را از ما یاد بگیرند، ما بیاییم این‌ها را تبدیل کنیم به روش‌های دیگران که منسوخ و کهنه است؟! پس این سنت‌ها

باید باقی بماند و تقویت شود. تحول به معنای تغییر اینها نیست.

۱۳۸۹/۷/۲۹



• تربیت جوان پاک، مهذب و انقلابی

تمام دستگاه‌ها و تمام افراد به خصوص علمای اعلام و روحانیون، بایستی روی تربیت نفوس مردم و تحقق انقلاب قلبی و اخلاقی در آنها مخصوصاً جوانان تلاش کنند.

۱۳۶۹/۱۲/۱



مسئولین دانشگاه اعمّ از مدیران، مدیران ارشد، مدیران وزارتی تا استاد که داخل کلاس است و با دانشجو روبه‌رو است، وظیفه‌شان این است که در این مجموعه‌ی چالشی دانشگاه، سعی کنند این چالش‌ها را هدایت کنند به سمت آن چیزهایی که به مبانی انقلاب منتهی می‌شود، به هدف‌های انقلاب منتهی می‌شود؛ یعنی جوان را انقلابی بار بیاورند. در جمله‌ای کوتاه: دانشگاه باید انقلابی باشد، دانشجو باید انقلابی باشد، دانشجو باید یک مسلمان مجاهد فی سبیل‌الله باشد؛ به این سمت باید هدایت بکنند. شماها خیلی مسؤولید، خیلی باید مراقب باشید؛ مراقب باشید محیط دانشگاه یک جایگاهی نشود برای واگیری از انقلاب و مفاهیم انقلاب و ارزش‌های انقلاب، از تدین، از انقلابیگری، از یاد و نام امام بزرگوار؛ این جزو الزامات حتمی است.

۱۳۹۵/۳/۲۹



اساتید در دانشگاه نقش فوق‌العاده‌ای دارند؛ یعنی در این فرایند ساختن و پرورش دادن قوه عاقله برای اداره کشور، استاد یک نقش ویژه‌ای دارد؛ بنابراین جایگاه استادان، بسیار مهم، بسیار عزیز و حسّاس است؛ جایگاه حسّاسی است. اگر دانشگاه بخواهد این نقش را -نقش ایجاد و پرورش قوه عاقله کشور را- درست ایفا کند، یک الزاماتی دارد که باید به این الزامات حتماً توجه کند. من سه مورد

از این الزامات را اینجا یادداشت کرده‌ام که حالا مختصراً درباره هر کدام صحبت می‌کنم.

یکی عبارت است از درگیر شدن با مسائل کشور؛ یعنی دانشگاه خودش را از مسائل کشور جدا نداد و مسائل کشور، چالش‌های کشور برای دانشگاه، مسائل واقعی و حقیقی و اصلی باشد.

دوم؛ تربیت فرهنگی و اخلاقی و هویتی دانشجویان است؛ یعنی فراتر از تعلیم، مسئله تربیت؛ آن هم با جهت‌گیری اخلاقی و معنوی و تلطیف روحی و دمیدن روح احساس هویت در مجموعه‌ی جوان دانشجوی.

سوم، یک ضرورت دائمی در محیط دانشگاه، یک تحول مستمر و دائمی در محیط دانشگاه؛ علت هم این است که اولاً همه نهادهای عالم احتیاج به تحول دارند، چون بشر در حال تحول و در حال پیشرفت و در حال حرکت است، بنابراین نهادهای بشری همه بایستی در خودشان قدرت تحول دائمی را ایجاد کنند و این یک دغدغه‌ای باشد برای آنها؛

عقل عامل رسیدن به قرب الهی و مقام توحید است. یکی از الزامات دانشگاه در ایفای نقش ایجاد و پرورش قوه عاقله کشور تربیت اخلاقی و فرهنگی و هویتی است: تربیت قوه عاقله. قوه عاقله چیست؟ عقل چیست؟ عقل در ادبیات اسلامی فقط آن دستگاهی نیست که محاسبات مادی می‌کند برای ما؛ نه، «**الْعَقْلُ مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ اِكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ**»؛ عقل این است. «**الْعَقْلُ يَهْدِي وَ يُنْجِي**»؛ عقل این است. عقل باید بتواند انسان‌ها را تعالی ببخشد. عقل در یک سطح، آن عاملی است که انسان را به مقام قرب می‌رساند، به مقام توحید می‌رساند؛ در یک سطح پایین‌تر، عقل آن چیزی است که انسان را به سبک زندگی اسلامی می‌رساند؛ در یک سطح دیگر هم عقل آن چیزی است که ارتباطات مادی زندگی دنیا را تنظیم می‌کند؛ همه این‌ها کار عقل است. عقل و قوه عاقله آن قوه‌ای است که بتواند همه این‌ها را دارا باشد؛ پس احتیاج به تربیت معنوی دارد. دانشجویها را تربیت معنوی کنید. این‌ها جوانند؛ جوان به‌طور طبیعی لطیف است، بالنسبه پاکیزه است، قابل حرکت در جهت معنوی است؛ و این باید در

دانشگاه تأمین بشود. «لَا يُسْتَعَانُ عَلَى الدَّهْرِ إِلَّا بِالْعَقْلِ»؛ زندگی بدون عقل که ممکن نیست. بنابراین جنبه تربیتی این قوه عاقله بایستی قوی باشد؛ دانشگاه باید جوان‌هایی را تربیت کند که با ایمان باشند، با شرف باشند، اهل اقدام باشند، تتبل نباشند، اهل تلاش باشند، دارای اعتماد به نفس باشند، حق‌پذیر باشند، حق‌طلب باشند؛ این‌ها خصلت‌های یک انسان والاست؛ اسلام این جور انسانی را می‌خواهد؛ این انسان است که اگر چنانچه به مدیریت جامعه رسید، جامعه را می‌تواند به سمت صلاح و فلاح هدایت بکند، و آلا اینکه حالا فرض کنید الان در فضای مجازی معمول شده، کار عادی و رایجی است که به همدیگر بدگویی کنند، این به آن، آن به این تهمت بزنند، یک ضعف کوچک را بزرگ کنند، آبروی مؤمن را ببرند که معلوم هم نباشد چه کسی است؛ خب خیلی چیز بدی است. در بین جوان‌های ما یک چنین چیزهایی وجود دارد که باید جلوییش گرفته بشود؛ این با تربیت معنوی ممکن است.

۱۳۹۷/۳/۲۰

• تربیت شاگرد با روش و منش مربی

استاد فقط به معنای معلّم نیست، بلکه به معنای مربی نیز هست؛ این یک راز طبیعی مکشوف برای همه است. کسی که ما از او چیزی یاد می‌گیریم و بابتی از دانش را به روی ما باز می‌کند، به‌طور طبیعی یک نفوذی در قلب ما و روح ما ایجاد می‌کند؛ می‌توانیم بگوییم یک حالت تأثیرپذیری در متعلّم ایجاد می‌شود به برکت همین تعلیم؛ این یک فرصت بسیار بزرگ و استثنائی است. جوان‌هایی که حاضر نیستند از نصیحت پدر و پدربزرگ و مادر و خانواده چیزی به گوش و به دل بگیرند و در عین حال یک حرف استاد و یک اشاره استاد در آنها یک اثر عمیق می‌گذارد، کم نیستند. استاد این جور است. به‌طور طبیعی تعلیم با امکان تربیت همراه است؛ از این فرصت باید استفاده کرد. اگر استاد ما متدین باشد، دارای غیرت ملی باشد، دارای انگیزه انقلابی باشد، دارای روحیه سخت‌کوشی باشد، به‌طور طبیعی اینها به متعلّم منتقل می‌شود. اگر عکس

این‌ها هم باشد، همین‌جور. اگر آن استاد، یک انسان باانصاف و بااخلاق باشد، امکان تربیت دانشجوی باانصاف و بااخلاق بالا خواهد رفت؛ عکسش هم همین‌جور است.

امروز کشور به جوان‌هایی نیاز دارد که بتوانند بازوان پُرقدرتی باشند برای پیشرفت کشور، سرشار از انگیزه ایمانی، بصیرت دینی، همت بلند، جرئت اقدام، اعتماد به نفس، اعتقاد به اینکه «ما می‌توانیم»، امید به آینده، افق‌های آینده را روشن و درخشان دیدن، روح استغناء - نه به معنای اعراض از فراگیری از بیگانگان، که این را ما هرگز توصیه نکرده‌ایم و نمی‌کنیم؛ حاضریم شاگردی کنیم پیش دیگران که از ما بیشتر بلدند - روحیه استغناء از تأثیرگذاری، تحمیل و سوءاستفاده‌ی از انتقال دانش که امروز در دنیای دانشمند که دنیای قدرت استکباری است این معنا رایج است - این روحیه استغناء باید در جوان وجود داشته باشد - روحیه فهم درست از موقعیت کشور که ما در کجا هستیم و کجا می‌خواهیم برسیم و چگونه می‌توانیم این راه را طی کنیم، قاطع بودن در برابر دست‌اندازی، تجاوز و خدشه‌دار کردن استقلال ملی؛ ما به جوان‌هایی با یک چنین روحیه‌هایی نیاز داریم. این روحیه‌ها را، این امتیازات را استادها می‌توانند در نسل جوان مشغول تحصیل و علم‌آموز کشور، القا کنند و تزریق کنند و به‌وجود بیاورند؛ استاد این است؛ البته با روش، با منش، نه با درس اخلاق. توصیه نمی‌کنم که اساتید علمی، کلاس اخلاق بگذارند برای دانشجوی؛ این یک کار دیگری است. اساتید ما با رفتار خودشان، با اظهارات خودشان، با منش خودشان، با اظهار عقیده‌هایی که در زمینه‌های مختلف می‌کنند، می‌توانند این تأثیرات را در دانشجوی خود، در جوان امروز القا کنند و به‌وجود بیاورند و خلق کنند. این که ما گفتیم اساتید فرماندهان جنگ نرمند، این به این معنا است. اگر آن جوان افسر جوان جنگ نرم است، استاد، فرمانده او است و این فرماندهی به این صورت است.



• نقش آفرینی در بهره‌برداری از ظرفیت‌های کشور

یک ملتی، یک حرکتی، یک هویتی به‌وجود آمده است مبتنی بر منابعی و مبادی‌ای درست نقطه‌ی مقابل مبادی نظام استکبار و نظام ظلم و انظلام؛ نمی‌خواهند این به جایی برسد؛ ما در یک چنین موقعیتی هستیم؛ ما در یک چنین جایگاهی هستیم. بایست حرکت بکنیم، باید تلاش کنیم.

تحریم‌ها هم البته زحمتهایی ایجاد می‌کند؛ اما می‌تواند مانع پیشرفت نشود؛ (باید) از ظرفیت‌هایمان استفاده کنیم. و شما اساتید در این زمینه نقش دارید؛ این نقش‌ها را قدر بدانید و دنبال کنید و ان‌شاءالله از خدای متعال هم کمک بخواهید. این آیه شریفه را هم که دوستان خواندند:

﴿ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبِتْ اَقْدَامَكُمْ﴾

این وعده بی‌تخلف الهی است.

۱۳۹۴/۴/۱۳





امام خامنه‌ای داماد

خداوند ان شاءالله توفیق انجام وظیفه و اهتدا به وظیفه به ما عنایت کند؛ ما را هرگز از این زی مقدس روحانی جدا نکند؛ ما را در راه خدمت به دین و خدمت به این رشته مقدس و افتخارآمیز، زنده بدارد و در همین راه هم بمیراند.

۱۳۷۰/۵/۳۰

